

Examining the potential and obstacles of applying artificial
intelligence policy in transactions from the perspective of
Imamiyyah jurists

Naeem Cheraghipour¹

Received: 15 January 2025

Hadi Shafei Nateg²

Reception: 31 Marchy 2025

Mahnaz Salimi³

Abstract:

Technological advancements and the emergence of artificial intelligence as a new tool in transactions and trade have provided a new platform for examining religious and legal issues. From the perspective of Imamiyya jurisprudence, which seeks to adapt religious rulings to social and economic developments, the use of artificial intelligence in transactions raises fundamental questions about the legitimacy, correctness, and limits of these types of interactions. The most important challenges include identifying the role of the intelligent agent as an intermediary or steward, examining the competence of the parties to the transaction, the possibility of realizing intention and consent when using AI-based tools, and observing Sharia conditions such as gharar, harmlessness, and justice in transactions. According to jurisprudential perspectives, AI can be accepted as a tool to facilitate transactions and not as an independent party in the transaction, because it lacks intelligence and independent intention. Also, the validity of transactions is subject to compliance with Sharia criteria such as the absence of ambiguity (gharar) and compliance with the terms of the contract, as approved by Imamiyya jurists. This article shows that although the use of AI in transactions is not forbidden in itself, it is necessary to develop a framework based on jurisprudential principles to prevent possible deviations. Finally, adapting these approaches to technological developments will pave the way for the feasibility and legitimacy of using AI in the field of transactions.

Keywords:

Imamiyya jurisprudence, transaction, artificial intelligence, transaction validity

¹PhD student, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

²Assistant Professor, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding author)

³Assistant Professor, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.516469.1270>

بررسی ظرفیت ها و موانع به کارگیری سیاست هوش مصنوعی در انجام

معاملات از منظر فقهای امامیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ ^۱ID نعم چراغی پور

^۲ID هادی شفیعی ناطق

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱ ^۳ID مهناز سلیمی

چکیده

پیشرفت فناوری و ظهور هوش مصنوعی به عنوان ابزاری نوین در انجام معاملات و تجارت، بستری جدید برای بررسی مسائل شرعی و حقوقی فراهم کرده است. از منظر فقه امامیه، که در جستجوی تطبیق احکام شرعی با تحولات اجتماعی و اقتصادی است، استفاده از هوش مصنوعی در معاملات پرسش‌هایی اساسی را درباره مشروعیت، صحت و حدود این نوع تعاملات مطرح می‌کند. مهم‌ترین چالش‌ها شامل شناسایی نقش عامل هوشمند به عنوان واسطه یا مباشر، بررسی اهلیت طرفین معامله، امکان تحقق قصد و رضا در صورت بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، و رعایت شروط شرعی مانند غرر، لاضرر و عدالت در معاملات است. بر اساس دیدگاه‌های فقهی، هوش مصنوعی را می‌توان در حد ابزاری برای تسهیل معاملات و نه به عنوان یک طرف مستقل در معامله پذیرفت، زیرا فاقد شعور و قصد مستقل است. همچنین صحت معاملات به شرط رعایت موازین شرعی مانند نبود ابهام (غرر) و رعایت شروط عقد مورد تأیید فقهای امامیه است. این مقاله نشان می‌دهد که گرچه استفاده از هوش مصنوعی در معاملات فی‌نفسه حرام نیست، اما لازم است چارچوبی مبتنی بر اصول فقهی برای جلوگیری از انحرافات احتمالی تدوین شود. در نهایت، تطبیق این رویکردها با تحولات فناوری زمینه‌ساز امکان‌پذیری و مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی در حوزه معاملات خواهد بود.

کلمات کلیدی:

فقه امامیه، معامله، هوش مصنوعی، صحت معامله

^۱ دانشجوی دکترای گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

^۲ استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

تحولات سریع فناوری و پیشرفت‌های گسترده در حوزه هوش مصنوعی فرصت‌های جدیدی را در تمامی ابعاد زندگی بشر ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این پیشرفت، بهره‌گیری از هوش مصنوعی در حوزه معاملات و تجارت است. هوش مصنوعی با ارائه ابزارهایی نظیر الگوریتم‌های پیشرفته، یادگیری ماشین، و سیستم‌های هوشمند، به یکی از ارکان اصلی مدیریت، اجرا و تصمیم‌گیری در معاملات تبدیل شده است. در این میان، جایگاه شرع و احکام فقهی در جامعه اسلامی نسبت به استفاده از چنین ابزارهایی برای انجام یا تسهیل معاملات، به موضوعی قابل تأمل تبدیل شده است.

فقه امامیه، که بر پایه آموزه‌های قرآن، سنت معصومین (ع)، و اجتهادات فقهی استوار است، همواره در تلاش بوده تا به تحولات اجتماعی، اقتصادی، و فناورانه پاسخ دهد و احکام شرعی را منطبق با شرایط جدید تبیین کند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در معاملات پرسش‌های مختلفی را در حوزه فقه مطرح کرده است که نیازمند بررسی دقیق و عمیق می‌باشد. مهم‌ترین این سوالات شامل بررسی ماهیت هوش مصنوعی در معاملات، جایگاه آن به عنوان واسطه یا تصمیم‌گیرنده مستقل، امکان تحقق قصد و رضا در معاملات هوشمند، و رعایت شروط شرعی همچون نبود غرر (عدم ابهام) و لاضرر می‌باشد. در این راستا، شناسایی و تحلیل رویکرد فقهای امامیه نسبت به این موضوع می‌تواند راه‌حلی برای تطبیق اصول فقهی با شرایط نوین ارائه دهد. بسیاری از فقها بر این باورند که استفاده از هوش مصنوعی، به عنوان یک ابزار و واسطه در معاملات، ذاتاً فاقد اشکال است، اما برای تأیید صحت چنین معاملاتی، باید اصول و مبانی شرعی از جمله بررسی نقش نیت، وجود قصد واقعی، و احراز شرایط صحت عقد به دقت لحاظ شود.

این مقاله بر آن است تا با تبیین جایگاه معاملات مبتنی بر هوش مصنوعی در فقه امامیه، راهکارهایی برای حل تعارضات و چالش‌های موجود ارائه دهد و چارچوبی علمی و کاربردی برای اجرای شرعی این معاملات ترسیم کند.

مفهوم هوش

این‌که چه پدیده‌های با عنوان هوش شناخته شود، نظرات و رویکردهای متعدد و مختلفی بیان شده است. برخی آن را برابر با توانایی شخص در هماهنگی با محیط قلمداد کردند. (رووف، ۱۳۸۸: ۹۷). برخی دیگر ادعا

کردند که هوش به انسان، توانایی حل مسئله را می‌دهد. از طرفی عده‌های هوش را به عنوان استعدادی عمومی شناسایی کردند و استعداد، خود به این معنا است که ذهن در یادگیری و انجام موردی خاص توانایی و قدرت دارد، بنابراین هوش قدرت فراگیری و کسب مهارت انجام عمل است. (داورمنش، ۱۳۶۵: ۳۷۸). دیوید وکسلر روانشناس رومانایی تعریفی که از هوش ارائه داده است که بیان می‌دارد: «هوش یعنی کلیه توانایی‌های فرد در تفکر عاقلانه، عمل منطقی و رفتار مؤثر در سازگاری با محیط». با این حال با وجود چند شاخصه می‌توان گفت که زمانی هوشمندی محقق می‌گردد که عبارت‌اند از:

امکان برقراری رابطه از طریق پردازش گفتار و درک آن؛
نمایش دانش ذخیره‌شده و به‌کارگیری آن؛
تجزیه، تحلیل و استنتاج اطلاعات؛
واکنش مناسب در موقعیت‌های غیرمترقبه.

مفهوم هوش مصنوعی

به طور معمول این واژه به پروژه توسعه و طراحی سیستم‌هایی گفته می‌شود که مجهز به سیستم‌های فکری بشر هستند؛ مانند توانایی فکر کردن، کشف کردن معانی، تعمیم دادن، نتیجه گرفتن، و یادگیری از تجربه گذشته. برخی از نکاتی که روان‌شناسان برای توصیف هوشمند بودن انسان استفاده می‌کنند در انتصاب هوشمند بودن به عملکرد کامپیوتر مؤثر بوده است. این نکات که می‌تواند برای فهم هوش مصنوعی نیز مفید واقع شود عبارت‌اند از توانایی در تطبیق با شرایط جدید، آموختن، استدلال کردن، حل کردن مشکلات، ادراک، و استفاده از زبان (Copeland, 2020).

هوش مصنوعی یکی از رشته‌های علوم رایانه‌ای است که به مطالعه و توسعه دستگاه‌های هوشمند از طریق ارائه الگوریتم مناسب، می‌پردازد تا ماشین‌ها را قادر به ادراک، استدلال و یادگیری سازد. هوش مصنوعی مطالعه روشهایی است تا رایانه را به دستگاهی تبدیل کند که بتواند اعمال مذکور که توسط انسان انجام می‌شود را اعمال کند. در واقع این پدیده بر مبنای فرضیه‌ای است که پردازش تفکر انسانی را می‌تواند مکانیزه کند. در این حوزه تلاش دانشمندان بر این اساس است تا قابلیت شبیه‌سازی هوش را در ماشین‌ها و رایانه‌ها ایجاد کند تا عملکرد هوش مصنوعی را به سطح هوش انسانی برسانند و ماشین‌ها را به فعالیت‌هایی که انسان با مغز خود انجام می‌دهد، قادر سازد (ابریشمی، ۱۳۹۹: ۶۳).

۱- قصد و رضایت

یکی از شرایط اساسی صحت هر معامله‌ای، قصد و رضای طرفین است. البته شایان توجه است که دو واژه قصد و رضا از نظر حقوقی با یکدیگر فرق دارند. قصد عبارت از اراده قلبی و تصمیم قطعی بر انجام معامله است. فقدان قصد که عامل بطلان معامله است، مانند اینکه کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله کند که آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است. منظور از رضا همان رضایت و تمایل داشتن به انجام معامله است، مرحله‌ای است که شخص به لحاظ وجود شرایطی خاصی متمایل به انجام معامله می‌شود و اگر هر یک از طرفین بنا به عللی رضایتش مخدوش باشد مانند اینکه شخصی برای نجات جان فرزندش که ربوده شده است، ملک خود را به ربایندگان بفروشد در این صورت، معامله غیر نافذ محسوب می‌گردد و پس از فراهم شدن شرایط با اعلام رضایت، عقد صحیح و الاً باطل خواهد بود.

فقهای چون شیخ انصاری و فیض کاشانی نیز پیرو حاکمیت اراده باطنی هستند. محقق خویی می‌نویسد: «به عبارتی دیگر اعمال حقوقی به‌عنوان موجودات اعتباری توسط مبرزهایی چون الفاظ کشف می‌شوند.» صاحب کتاب عروة‌الوثقی در مقام تعارض بین اراده باطنی و ظاهری می‌نویسد: «چنانچه بین تسمیه و اشاره تعارض رخ داد بایست قصد فردی که تسمیه و اشاره از او صادر شده در نظر گرفته شود و هرچه منطبق بر قصد باطنی نبود باطل است» (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ۶۵۰).

علامه حلی در زمینه نکاح موقت در صورت خلل به ذکر مدت می‌نویسد: «از آنجایی که عقد دائم مقصود نبوده لذا منعقد نمی‌گردد» (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ۶۵۰). یعنی اراده باطنی، سازنده عقد نکاح به‌شمار می‌رود. مؤلف ریاض المسائل نیز بر همین نکته تأکید دارد و قصد باطنی را اساس عقد می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۹، ۱۱۵).

شیخ انصاری در زمینه جایگاه اراده باطنی می‌نویسد: از جمله شرایط متعاقبین آن است که مدلول صیغه عقد را قصد نمایند و اشتراط قصد در صحت عقد از امور مهم بین فقهاست. بنابراین اگر شخصی اشتباهی صیغه‌ای را تلفظ نماید عقودی واقع نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۰، ۱۱۷). فیض کاشانی نیز از حاکمیت قصد و اراده باطنی پیروی کرده است (بحرانی، ۱۳۶۳، ۹۲).

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی نیز در مقام تعارض بین اراده باطنی و ظاهری، اراده باطنی را ارجح می‌داند و می‌نویسد: «چنانچه بین تسمیه و اشاره و یا بین اشاره و صفت تعارض رخ دهد، باید قصد فردی که اشاره و

تسمیه از او صادر شده است در نظر گرفته شود و هر آنچه منطبق با قصد باطنی نبوده باطل است» (طباطبایی یزدی، بی تا، ۶۵۰).

به طور کلی، اراده اشخاص در تحقق اعمال حقوقی نقش اصلی و اساسی را ایفا می‌کند و عقود و ایقاعات به اراده افراد نسبت داده می‌شود. در فقه اسلامی نیز اراده اشخاص در ایجاد تعهدات از موقعیت مهم و اساسی برخوردار است. فقیهان در روند شکل‌گیری اعمال حقوقی (عقود و ایقاعات) نقش اراده را بیش از هر عامل دیگری دانسته و الفاظ و افعال و سایر وسایل اعلام اراده را به تنهایی و بدون کاشفیت یا سببیت یا مبرزیت آنها نسبت به اراده متعاقدان، موجد هیچ تکلیف و تعهدی نمی‌دانند. مفاد قاعده «العقود تابعه للقصد» نیز مؤید چنین دیدگاهی است. بر اساس قاعده مزبور فقدان انشای مدلول عقد، مانع تحقق آثار حقوقی است و عمل بدون قصد و اراده طرف عقد تهی و بی‌اعتبار است. از دیدگاه امام خمینی: پس معامله کسی که قصد ندارد مثل اینکه به شوخی یا به غلط و یا به سهو گفته باشد (خانه ام را به تو فروختم مثلاً) صحیح نیست (خمینی، ۱۳۸۳، ۲۳۶). در این خصوص بین امام خمینی و سایر فقها اختلافی مشاهده نمی‌شود.

۲- اهلیت تصرف

گروهی از محجورین به دلیل فقدان اراده، فاقد اهلیت استیفاء در اجرای امور مالی و غیر مالی خویش هستند. طبیعی است قراردادهای منعقدۀ توسط ایشان باطل است و تفاوتی از این حیث میان قرارداد اصلی و شروط ضمن آن وجود ندارد. زیرا در هر حال در چنین فرضی قصد انشاء به عنوان عنصر سازنده اعمال حقوقی مفقود است.

گروهی دیگر از محجورین توانایی انشاء عمل حقوقی (قصد) را دارا هستند. اشخاص سفیه و کودکان دارای قدرت تمیز، اعضاء این گروهند. در این میان حجر اشخاص سفیه، ناظر به امور مالی است و نفوذ قراردادهای وی در این خصوص وابسته به اذن یا اجازه «ولی» یا «قیم» است. لیکن این دسته از محجورین برای تصرفات انشائی غیر مالی، نیازی به اذن یا تنفیذ دیگری ندارند.

در این رابطه امام خمینی در خصوص شرط بلوغ می‌فرمایند: پس معامله طفل صغیر در معاملات بزرگ هر چند که طفل بحد تمیز رسیده باشد و هر چند که با اجازه ولی خود معامله را واقع ساخته باشد بطوری که خود طفل مستقل در انجام آن باشد جائز نیست بنابراین، و بنابر احتیاط در معاملات صغیر هر چه که صحت آن از طفل ممیز در معاملات کوچک که سیره بر آن جریان دارد خالی از وجه و قوت نیست، همچنانکه در صورت

عدم استقلال او به طوری که او فرمانبر و آلت کار شخص بالغ شمرده شود و در حقیقت معامله بین دو بالغ واقع شده در هیچ حال اشکال ندارد چه ممیز باشد و چه نباشد، و همانطور که معامله کودک در اشیاء خطیر و مهم برای خودش نیست برای غیر خودش نیز جائز نیست پس او حتی با آذان و لیش نمی‌تواند وکیل کسی در خرید و فروش کالائی خطیر شود، و اما اگر وکالتش تنها در اجراء صیغه باشد به طوری که معامله بین دو نفر بالغ انجام شده باشد صحت آن خالی از قرب نیست (بنظر نزدیکتر است) پس کودک ممیز به طور کلی مسلوب العبارة نیست لکن ترک احتیاط هم سزاوار نیست (خمینی، ۱۳۸۳، ۳۲). در این خصوص بین امام خمینی و سایر فقها اختلافی مشاهده نمی‌شود.

۳- مورد معامله

معلوم و معین بودن موضوع هر قرارداد شرط صحت آن است. مطالعه مقایسه‌ای دیدگاه‌های امام خمینی و سایر فقهای اسلامی نشان می‌دهد که آنها دلیل بطلان قرارداد در فرض معلوم و معین نبودن موضوع قرارداد را غرری بودن قرارداد دانسته‌اند. البته باید توجه داشت علم تفصیلی به موضوع قرارداد با توجه به دلیلی که ارائه گردید، مخصوص مواردی است که فقدان آن به غرر می‌انجامد. بنابراین در مواردی که بنای قرارداد بر تسامح است و عرف تسامح مزبور را مورد پذیرش قرار می‌دهد، باید علم اجمالی را مورد پذیرش قرار داد.

۴- جهت معامله

مشروعیت جهت قرارداد یکی دیگر از شرایط اساسی صحت قرارداد است. جهت معامله غرض و هدف اصلی است که معامله کننده از انعقاد قرارداد داشته است. بنابراین از آنجا که اشخاص مختلف انگیزه‌های یکسانی از انعقاد قرارداد ندارند، باید جهت قرارداد را امری شخصی و متغیر به شمار آورد (صفایی، ۱۳۸۵، ۹۶).

بحث مشروعیت جهت در دیدگاه‌های امام خمینی و سایر فقهای اسلامی گرچه با همان تعبیری که در حقوق به آن پرداخته شده، مورد بررسی قرار نگرفته است، اما هم امام خمینی و هم سایر فقهای اسلامی از دیرباز اهمیت این مبحث را از نظر دور نداشته و در کتب خود به بررسی آن پرداخته‌اند. قانون مدنی معامله‌ای را که جهت نامشروع متعاملین در آن تصریح شده باشد، باطل دانسته است. در دیدگاه‌های امام خمینی و سایر فقهای اسلامی نیز در مورد حرمت یا عدم حرمت و به تبع آن، صحت یا فساد معامله‌ی دارای جهت نامشروع سخن به میان آمده و در این مساله بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که منجر به شکل‌گیری نظرات فقهی متفاوتی شده است.

می‌توان گفت، اکثریت فقهای متقدم، قائل به حرمت و فساد چنین معامله‌ای شده‌اند. و در بین فقهای معاصر برخی بر حرمت و فساد معامله و بعضی بر عدم حرمت و صحت آن نظر داده‌اند.

اگر عقد فاسدی واقع شود، مثل این که عقد بیع به علت فقدان رکنی از ارکان یا شرطی از شروط صحت، صحیحا واقع نشده باشد، بیع فاسد است و مشتری نسبت به مبیع و بایع نسبت به ثمن ضامن خواهند بود، هر چند در آن تعدی و تفریط نکرده باشند. مبنای شرعی این حکم، قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» (هر چه صحیح آن ضامن آور باشد، فاسد آن هم ضامن آور خواهد بود) است (حرعاملی ۱۴۱۵، ۲۶۰).

منابع فقهی شناسائی شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوشمند

شناخت شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوشمند از منظر فقهی، ابتدا مستلزم شناسائی خود نهاد شخصیت حقوقی در فقه است. شخصیت حقوقی - چنانچه گذشت - از حیث مبنایی و عقائد اسلامی با مانعی روبرو نیست و از حیث فقهی در آراء فقهای قدیم نیز تلویحا اشاره شده و مورد تصریح فقهای معاصر قرار گرفته است. این نهاد به صورت کنونی و با این نام در فقه سابقه چندانی ندارد. ولی چنانچه گذشت این به معنی ناآشنایی فقه اسلامی با این نهاد نیست؛ اگرچه مسائل و مباحث آن در ادبیات فقهی ما به فراخور اهمیت آن، غنی نیست ولی رگه‌هایی از پذیرش اصل این موضوع را می‌توان در آرای فقهی برخی از فقهای پیشین مشاهده نمود.

در بررسی پیشینه نظریه شخصیت حقوقی در فقه، به چندین باب فقهی در این خصوص می‌توان توجه کرد؛ مثلا در پرداخت زکات و امور مشابهی همانند خمس؛ وقف اموال و وصیت به آن و یا در مباحث مربوط به مالکیت متوفی. در خصوص زکات یکی از پرسش‌های مطرح از زمان ائمه این بوده که آیا می‌توان زکات را پیش از موعد و جوب آن به فقیر پرداخت کرده و پس از حلول موعد، لندازه پرداختی را لحاظ کرد؟ در این خصوص روایاتی وجود دارد که شخص موسر آن را به عنوان قرض پرداخت کند و از ظاهر کلام برخی از فقها نیز این برداشت می‌شود که پول داده شده قبل از موعد قرض بوده و به «عنوان» زکات داده شود؛ یعنی گویی قرض به شخصیتی به نام زکات داده می‌شود. در بحث وقف و یا وصیت اگر موقوف علیهم محصور نباشند و وقف بر عناوین کلی همانند نمازگزاران، فقرا، مصالح عامه، جهات و... انجام پذیرد این بحث پیش می‌آید که مالکیت مال موقوفه متعلق به چه کسی است؟ آیا مالک کنونی، مفاهیم کلی نمازگزاران، فقها، فقرا و... هستند یا مصداقشان به حمل شایع؟ برخی قائل بر این نظر هستند که هر جا فقها - از همان زمانهای قدیم - خواسته‌اند اهلیت و صلاحیت موضوعی

غیرانسانی را مطرح سازند، از عنوان "جهت" استفاده کرده‌اند در موارد ترکیه میت نیز گاه رگه‌ای از تمایل به چنین نظریه‌ای دیده می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ۷۷).

ظاهراً سید محمدکاظم طباطبایی یزدی اولین فقیهی است که این نهاد را به روشنی پذیرفته و توانسته فقهای پس از خود را همراه سازد به گونه‌ای که اکنون مورد قبول بسیاری از فقهای معاصر قرار گرفته است. با پذیرش کنونی اصل شخصیت حقوقی در فقه، مشکلی برای پذیرش آن برای سامانه‌های هوشمند نیز وجود نخواهد داشت؛ زیرا این شخصیت با استناد به ارتکاز و سیره عقلا و ظهور اطلاقات و عمومات ادله به مسائل مستحدثه‌ای تسری داده شده است که سابقه‌ای در گذشته ندارند و شخصیت حقوقی که به این سامانه‌ها داده خواهد شد مانند شخصیت حقوقی دیگر اشخاص حقوقی است - البته با ویژگی‌های خاص خودش - و کسب این شخصیت نیز چنانچه گفته شد برای بهتر انجام شدن کارها توسط این مصنوعات هوشمند است و شخصیتی ذاتی به آنها تعلق نخواهد گرفت و اعطای چنین شخصیتی نیز امکانپذیر نیست و قطعاً برخلاف احکام اسلامی است (اسکینی، ۱۳۸۷، ۴۵).

امکان‌پذیری ظرفیت هوش مصنوعی در معاملات

از منظر فقه امامیه، یکی از شرایط صحت معاملات، وجود ظرفیتی با اهلیت قانونی و شرعی است. این ظرفیت اساساً بر عقل، بلوغ، قصد و اختیار استوار است.

عقل و بلوغ: فقها به صراحت بیان کرده‌اند که عقدی که یک طرف آن فاقد عقل و بلوغ باشد (مانند معاملات صغیر یا مجنون)، اعتبار فقهی ندارد. به عنوان نمونه، شیخ انصاری در المکاسب، تصریح دارد که معاملات افراد فاقد عقل، حتی اگر در ظاهر سودمند باشند، از اساس باطل‌اند. چرا که "قصد" (که از مولفه‌های کلیدی قراردادها است) محقق نمی‌شود.

قصد و اختیار: عقود که از روی اجبار صادر شوند یا فاقد قصد واقعی باشند، مشروعیت فقهی نخواهند داشت. صاحب جواهر ضمن بررسی اعتبار عقود، تأکید می‌کند که قرارداد بدون قصد انسانی (حتی در مواردی که مقدمه آن به طور مکانیکی یا ماشینی تنظیم شده باشد)، شرط نیت را زیر سؤال می‌برد. از دیدگاه فقهای امامیه، نیت یا قصد، ماهیتی انسانی دارد و وابسته به تفکر و تصمیم ارادی است. هوش مصنوعی به دلیل غیرانسانی بودن و وابستگی به الگوریتم‌ها و داده‌های از پیش تعیین شده، فاقد قابلیت ایجاد نیت مستقل است. استدلال‌های فقهی را می‌توان این گونه بیان داشت:

عدم ذاتی بودن اراده در هوش مصنوعی: در تعریفی که علامه حلی در قواعد الأحکام ارائه می‌دهد، قصد ماهیتی دارد که نیازمند یک مرکز هوشیار و آگاه است. هوش مصنوعی به دلیل فاقد بودن اراده ذاتی، نمی‌تواند به‌طور مستقل قصد را محقق کند (اصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۲۰).

توسعه فناوری در مقام ابزار، نه طرف انسانی: فقهای مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم تأکید دارند که تکنولوژی‌های جدید، صرفاً نقش ابزار را ایفا می‌کنند. هرچند از نظر فقهی استفاده از فناوری قابل قبول است، اما «استقلال» آن‌ها در مفاهیمی مانند قصد انسانی کاملاً مردود است.

شهید ثانی در شرح لمعه اشاره می‌کند که هرچند استفاده از ابزارها برای اجرای وکالت و معاملات معمول است، اما نکته مبرم این است که ابزارها نباید از نقش اجرایی خود پا را فراتر بگذارند. هوش مصنوعی به‌عنوان کارگزار مکلف (برای اجرا)، اگر دچار اشتباه شود یا از حمایت انسانی غافل گردد، مسئولیت شخصی بابت قرارداد نخواهد داشت. نماینده اصلی (انسان) را باید مسئول دانست. آیت‌الله جوادی آملی در رساله قواعد فقهی خود، قاعده وکالت را به تفصیل گسترش داده و بیان داشته که «وکالت ماشینی» یا هر نوع استفاده از فناوری نمی‌تواند جایگاه اصلی و نهایی انسان را از طریق قصد قرارداد حذف کند. در این‌جا ابزار صرفاً نقش واسطه دارند و وظایف اصلی (نظارت و کنترل) بر عهده انسان باقی می‌ماند.

بسیاری از مراجع معاصر مانند آیت‌الله سیستانی تأکید دارند که هرچند ابزارهای مدرن (مانند هوش مصنوعی) ممکن است فرآیند انجام معاملات را سریع‌تر و کارآمدتر کنند و در ظاهر جای حضور فیزیکی را پر کنند؛ اما از لحاظ اصولی، مشروعیت معامله باید به نیت و اراده صریح کاربران بازگردد (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۶۴).

تمام ارکان عقد (مانند قصد و اختیار) باید در هر سامانه‌ای که از هوش مصنوعی استفاده می‌کند، رعایت شود. هوش مصنوعی تنها در قالب ابزار مشروع است و نمی‌تواند به‌عنوان طرف مستقل وارد معامله شود. شیخ انصاری به‌صراحت نقش قصد و اراده انسانی را به‌عنوان سنگ‌بنای هر معامله تایید می‌کند و تطبیق این ویژگی‌ها بر موجودی غیرعاقل (مانند هوش مصنوعی) را کاملاً مردود می‌داند.

صحت ایجاب و قبول در معاملات هوشمند

بر اساس نظرات فقهای مانند صاحب‌جوهر و شهید اول، هر عقد مشروع نیازمند ایجاب و قبول است، که باید:

۱- روشن و صریح باشد: وجود ابهام یا شرط مبهم در قرارداد، ممکن است منجر به فسخ شود.

۲- اعلام قصد کند: ایجاب و قبول باید نشان‌دهنده قصد قطعی طرفین باشد.

شیخ طوسی در النهایه به تفصیل بیان می‌کند که حتی الفاظ ایجاب و قبول باید از سوی شخص مشخص و مختار صادر شود و شفافیت در نیت طرفین ضرورت دارد.

در معاملات پیشرفته امروزی، هوش مصنوعی ممکن است به‌طور خودکار ایجاب و قبول ایجاد کند. سوال اصلی این است که: آیا ایجاب و قبول ماشینی (که توسط هوش مصنوعی تولید شده، نه انسان) از دیدگاه فقه، انگیزه نیت و اراده را کافی می‌داند یا خیر؟

به نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، وجود قصد انسانی در فرآیندهای هوشمند، نه تنها ضروری، بلکه غیرقابل حذف است. به عبارت دیگر، اعلام «ایجاب» توسط هوش مصنوعی تنها هنگامی مشروعیت دارد که سازوکاری تنظیم شده باشد که نظارت انسانی عملی شود.

آیت‌الله سیستانی در فتاوی‌ای اقتصادی خود تأکید داشته‌اند که سیستم‌های خودکار می‌توانند پیشنهاد کنند، اما پذیرش نهایی تعهد، همچنان با انسان است. همچنین، شهید مطهری تأکید داشت که ابزارهایی مانند تکنیک‌های ماشینی (و امروزه هوش مصنوعی)، نباید جریان طبیعی معاملات انسانی را به نحوی تغییر دهند که مفهوم عدالت نابرابری ایجاد کند. هوش مصنوعی صرفاً ابزار واسطه‌ای است و نمی‌تواند نیت حقیقی ایجاب یا قبول را جایگزین نیت انسانی کند. تمام فقهای اعم از کلاسیک و معاصر تأکید دارند که اصول شرعی باید رعایت شود و سیستم‌ها نمی‌توانند این اصول را تضعیف کنند (حلی، ۱۴۱۰، ۹۲).

مسئولیت در معاملات با هوش مصنوعی از منظر فقهای امامیه

مسئولیت در فقه امامیه به معنای پاسخگو بودن شخص یا طرفی است که مستقیماً یا غیرمستقیم در اثرگذاری بر یک رویداد یا معامله نقش داشته باشد. فقها این مسئولیت را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

مسئولیت قراردادی:

مربوط به نقض یا ناتوانی در اجرای تعهدات یک قرارداد خاص است. مسئولیت مدنی (ضمان):

این نوع مسئولیت ناشی از خسارت یا ضرری است که به طرف مقابل وارد می‌شود (مثلاً اتلاف مال یا غصب).

فقها برای تحقق مسئولیت بر سه شرط اصلی تأکید کرده‌اند:

عمل یا رفتار مشخص: باید عمل یا رفتاری وجود داشته باشد که مستقیماً منجر به نتیجه یا خسارت شود.

ارتباط علی بین عمل و نتیجه: بین عمل انجام شده و نتیجه رخ داده باید رابطه علی برقرار باشد.

آگاهی یا قصد: مسئولیت اخلاقی و شرعی اغلب مستلزم آن است که شخص آگاهانه یا به دلیل قصور، موجب خسارت یا نقض قرارداد شود.

در فقه امامیه، ابزارها (مانند ماشین‌ها، حیوانات، و امروزه فناوری‌های دیجیتال) به طور مستقیم مسئول شناخته نمی‌شوند، بلکه مسئولیت به صاحب یا کاربر ابزار بازمی‌گردد.

شیخ انصاری در المکاسب تأکید می‌کند که ابزارها و وسایل صرفاً واسطه‌اند و ضمان در موارد اشتباه یا خطا، بر عهده صاحب ابزار یا شخص عامل است (حلی، ۱۴۲۴، ۹۹).

هوش مصنوعی در معاملات همچون یک "ابزار" عمل می‌کند که بر اساس داده‌ها و الگوریتم‌های از پیش تعیین شده، تصمیم‌های خاصی می‌گیرد. به عنوان مثال: هوش مصنوعی یک قرارداد هوشمند را اجرا می‌کند یا تصمیمات خودکار درباره پذیرش یا رد پیشنهادها می‌گیرد ابزار سستی (مانند حیوانات یا دستگاه‌های ساده): در این موارد، مسئولیت به سادگی قابل تعیین است، چراکه این ابزارها مستقیماً تحت کنترل فیزیکی انسان قرار دارند.

ابزارهای فناوری پیشرفته (مانند هوش مصنوعی): فناوری‌های نوین دارای سطحی از "تصمیم‌گیری مستقل" هستند که باعث ابهام در تعریف مسئولیت می‌شود؛ آیا خطا ناشی از طراحی الگوریتم، سوءمدیریت کاربر یا خود تصمیم‌گیری هوش مصنوعی است؟ برخی قراردادهای هوشمند، بدون دخالت مستقیم انسان اجرا می‌شوند. این نوع سیستم‌ها، چالش‌های جدیدی برای تعیین "مسئولیت در قبال خطا" ایجاد می‌کنند: اگر هوش مصنوعی قرارداد را نقض کند، چه کسی مسئول است؟ آیا می‌توان هوش مصنوعی را "ضامن" دانست؟

در فقه امامیه، استفاده از ابزارها و وسایل غیرزنده به عنوان ابزار واسطه‌ای در معاملات بررسی شده است. شیخ طوسی، علامه حلی و دیگران به این موضوع اشاره کرده‌اند که:

ابزارهای غیرانسانی، فاقد عقل و نیت بوده و نمی‌توانند به صورت مستقیم مسئول شناخته شوند.

خطاها و عواقب ناشی از این ابزارها بر عهده مالک یا کاربر آنها است (حلی، ۱۴۲۰، ۱۲۰).

فقهای معاصر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله جوادی آملی عمدتاً توافق دارند که:

فناوری‌های هوشمند نمی‌توانند جایگزین کامل انسان شوند:
تمام خطاها یا نقض‌ها به نهادی انسانی بازمی‌گردد.
مثلاً برنامه‌نویس یا کاربر مسئول خطای سیستم است.
لزوم نظارت مستمر:

سیستم‌های هوش مصنوعی باید دائماً زیر نظر انسان باشند تا از خطاهای احتمالی جلوگیری شود.

اصول فقهی ناظر بر مسئولیت در هوش مصنوعی را می‌توان این گونه بیان داشت:

۱- قاعده ضمان (مسئولیت جبران خسارت)

فقهای امامیه تأکید دارند که ضمان در صورت:

اتلاف: اگر کسی با مباشرت یا تسلط خود موجب نابودی مال دیگری شود.

تفریط: اگر در نظارت یا مدیریت خود کوتاهی کند. در معاملات هوش مصنوعی، اگر مدیری یا کاربری در نگهداری یا استفاده از سیستم هوش مصنوعی اهمال کند، ضامن خسارت خواهد بود (خویی، ۱۴۱۵ ق، ۱۱۰).

۲- قاعده علی‌الید (هر کس مالی را در اختیار بگیرد، مسئول است)

هوش مصنوعی در اختیار کاربران است و مسئولیت تصرفات آن مستقیماً به مالک یا کاربر بازمی‌گردد. حتی در شرایطی که سیستم هوش مصنوعی مستقل عمل می‌کند، مالک یا مدیر سیستم "علی‌الید" به‌شمار می‌رود و ضامن خواهد بود.

براساس آرای فقهای امامیه و اصول ضمان، هوش مصنوعی نمی‌تواند یک بازیگر مستقل در تعیین مسئولیت باشد. مسئولیت نهایی همیشه به صاحب یا کاربر انسانی بازمی‌گردد و فناوری‌های هوشمند نقش ابزار واسطه را ایفا می‌کنند. برای پیشگیری از تعارضات و ابهامات، نیازمند شفافیت بیشتر در طراحی، استفاده، و نظارت بر این سیستم‌ها هستیم (سبزواری، بیتا، ۱۴۵).

چالش‌های هوش مصنوعی در انجام معامله در فقه امامیه

در دنیای مدرن، فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی به‌طور فزاینده‌ای به عرصه‌های مختلف زندگی روزمره و به‌ویژه تجارت وارد شده است. این فناوری‌ها با توانایی پردازش و تحلیل حجم بالای داده‌ها و اجرای الگوریتم‌ها به‌صورت خودکار، امکان تسهیل و سرعت بخشیدن به معاملات اقتصادی را فراهم کرده‌اند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار در

معاملات، چالش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد که نیازمند بررسی و تأمل عمیق در زمینه فقه اسلامی است.

یکی از مهم‌ترین اصول در فقه اسلامی، اصل رضایت طرفین است که به معنای توافق آزادانه و آگاهانه دو طرف برای انجام عمل حقوقی است. با ورود هوش مصنوعی، سوالات بسیاری در مورد اینکه آیا این رضایت به‌طور واقعی محقق می‌شود یا خیر، به وجود می‌آید. در این راستا، بررسی مفهوم رضایت در شرایط تعاملات مبتنی بر هوش مصنوعی ضروری است. همچنین، مسائل مربوط به ابهام، غرر، و خسارت در معاملات، ضرورت تجزیه و تحلیل دقیق‌تری را می‌طلبد.

توجه به چالش‌های مرتبط با مسئولیت و عدالت در استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان یک عامل در معاملات نیز بسیار مهم است. آیا می‌توان مسئولیت را به هوش مصنوعی نسبت داد یا همچنان مسئولیت بر عهده انسان‌ها باقی می‌ماند؟ به‌طور خلاصه، هوش مصنوعی می‌تواند ساختارهای سنتی معاملات اقتصادی را به چالش بکشد و بنابراین، نیاز به تحلیل فقهی آن ضروری به نظر می‌رسد.

۱-مسأله رضایت طرفین

رضایت طرفین یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی است که برای اعتبار هر معامله‌ای نیاز است. در حوزه معاملات سنتی، رضایت به‌وضوح از طرفین به شکل شفاهی یا کتبی بیان می‌شود و هر یک از طرفین باید به‌طور کامل از شرایط، آثار و ریسک‌های مربوط به معامله آگاه باشند. اما با ظهور هوش مصنوعی، موقعیت‌ها و شرایط ممکن است به‌طور کامل تغییر کند.

در سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، معاملات به‌صورت خودکار و بدون دخالت مستقیم انسان انجام می‌شوند. این امر می‌تواند مفهوم رضایت را با چالش مواجه کند. آیا الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به‌دقت نشان‌دهنده رضایت واقعی طرفین باشند؟ آیا کاربران به‌دقت و به‌طور واضح درباره این که چه چیزی را تأیید می‌کنند، آگاه هستند؟ در واقع، ممکن است فردی به‌گونه‌ای که او را متوجه خود نمی‌کند، به سامانه‌ای رضایت دهد، در حالی که ذهن او تحت تأثیر فرایندهای الگوریتمی قرار دارد.

برای مثال، در قراردادهای هوشمند (که بر روی بلاک‌چین پیاده‌سازی می‌شوند، تخصیص و انجام قراردادها به‌صورت خودکار انجام می‌گیرد. این سوال پیش می‌آید که آیا می‌توان به سادگی به این سامانه‌ها اعتماد کرد و آیا این الگوریتم‌ها به‌درستی بروز رسانی و طراحی شده‌اند؟ بنابراین، برای اطمینان از اینکه رضایت هر یک از طرفین محقق شده است، باید مکانیزم‌های شفاف و موثری برای ارزیابی آن وجود داشته باشد

تقویت دیدگاه‌های مختلف در جوامع دینی نیز می‌تواند به روشن‌تر شدن مسائل موجود در این حوزه کمک کند. لزوم تعریف مفاهیم جدید و بررسی رویه‌های خلاقانه به تنهایی که بر مبنای فقه امامیه قرار دارند، می‌تواند در این راستا موثر باشد.

۲- غرر و ابهام

غرر به معنای عدم قطعیت و ابهام در مفاهیم قراردادهای است که در فقه اسلامی به وضوح مورد منع قرار گرفته است. هر معامله‌ای که حاوی غرر باشد، الزامات فقهی را نقض کرده و به اعتبار آن آسیب می‌زند. این امر به ویژه در معاملات مبتنی بر هوش مصنوعی شایان توجه است، چرا که این فناوری همیشه شفاف نیست و نحوه عملکرد آن ممکن است برای کاربر قابل درک نباشد.

استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین یا کلان داده‌ها ممکن است به نتایجی برسد که برای انسان‌ها نادرست یا مبهم به نظر برسد. در شرایطی که تجزیه و تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها به طور شفاف ارائه نمی‌شوند، ابهام به سرعت می‌تواند به عنوان یک مانع در معاملات تلقی شود. ابهام در شرایط و مشخصات معامله، می‌تواند منجر به تضاد و اختلاف نظر در میان طرفین شود، زیرا هر یک ممکن است برداشت متفاوتی از نتایج حاصله داشته باشند.

نمونه‌ای از این امر می‌تواند در بازارهای مالی اتفاق بیفتد که در آن هوش مصنوعی برای بررسی و پیش‌بینی قیمت‌ها استفاده می‌شود. اگر الگوریتم‌ها نتایج غیرقابل پیش‌بینی و یا مبهمی درباره نوسانات قیمت ارائه دهند، طرفین ممکن است به این نتیجه برسند که مفاد قرارداد اجرایی قابل اعتمادی ندارند. بنابراین، می‌توان گفت که وجود غرر و ابهام ناشی از دخالت هوش مصنوعی در معاملات، می‌تواند به طور مستقیم به اعتبار و مشروعیت معاملات آسیب برساند.

حل این چالش‌ها نیازمند ایجاد پروتکل‌ها و قواعد شفاف است که اطلاعات را به طور واضح منتقل کنند. همچنین، باید تدابیری اتخاذ شود که ابهام در صلاحیت و سود بین طرفین به حداقل برسد تا از بروز اختلاف‌ها و چالش‌های حقوقی جلوگیری شود.

۳- مسئولیت و پاسخگویی

یکی از چالش‌های کلیدی در استفاده از هوش مصنوعی در معاملات، مسأله مسئولیت و پاسخگویی است. در معاملات سنتی، مسئولیت و پیامدهای ناشی از یک قرارداد به وضوح مشخص است و یکی از طرفین در صورت بروز ضرر یا خطا، مسئولیت را بر عهده می‌گیرد. اما در شرایطی که

هوش مصنوعی وارد عمل می‌شود، این مفهوم به چالش کشیده می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۹: ۸۸).

اکنون باید مشخص گردد که آیا مسئولیت به الگوریتم واگذار می‌شود و یا همچنان بر عهده انسان‌ها باقی خواهد ماند. برای مثال، در صورتی که یک معامله به دلیل خطا در الگوریتم هوش مصنوعی منجر به ضرر شود، آیا توسعه‌دهنده الگوریتم یا کاربر آن مسئول خواهند بود؟ مساله دیگر، سطحی از مسئولیت است که به هوش مصنوعی حاکم است؛ آیا هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک کنشگر مستقل شناخته شود که مسئولیت‌های قانونی را به عهده می‌گیرد؟

این سوالات در حوزه فقه اسلامی به زیر سؤال می‌روند، چرا که در فقه مسئولیت بر مبنای عقول و نیت‌ها تعریف می‌شود. الگوریتم‌های هوش مصنوعی بدون وجود نیت و ناآگاهی، طراحی می‌شوند و بنابراین نمی‌توانند به‌عنوان یک طرف قرارداد در نظر گرفته شوند. این مسائل پیچیدگی‌های جدیدی را در نظام‌های حقوقی ایجاد می‌کند که نیاز به بازنگری و بررسی دقیق دارد.

توسعه چارچوب‌های حقوقی جدیدی که بتواند به‌خوبی از عهده‌ی مسأله مسئولیت برآید، ضروری است. شفاف‌سازی معیارها و مراحل سیاست‌گذاری در سطح حکومتی، به حفظ تعادل در نظام حقوقی و تأمین حقوق طرفین کمک می‌کند (رضوی، ۱۴۰۲: ۹۷).

۴- عدالت و انصاف

عدالت و انصاف از ارزش‌های کلیدی فقه اسلامی هستند و هر معاملاتی باید بر اساس این اصول بنیان‌گذاری شود. با ورود هوش مصنوعی، سوالات جدیدی درباره عدالت در معاملات بوجود می‌آید. استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌تواند به ایجاد ناعدالتی منجر شود، به‌خصوص اگر به‌طور تخفیف نیافته طراحی شوند. به‌عنوان مثال، اگر یک الگوریتم به‌طور غیرعادلانه بر اساس پیشینه‌های اجتماعی یا اقتصادی اطلاعات را تحلیل کرده و به سمت تصمیم‌گیری گام بردارد، این ممکن است به تزییع حقوق برخی افراد منجر شود.

یکی از چالش‌های عمده دیگر، گرایش به تبعیض است. الگوریتم‌هایی که بر اساس داده‌های تاریخی آموزش دیده‌اند، ممکن است نتایجی را برای گروه‌های خاصی از افراد به نمایش بگذارند که به علت پیشینه تاریخی آنها بر اساس تبعیض انتخاب شده باشند. این روند نه تنها بر اصول فقهی اسلامی که بر پایه عدالت و مساوات است تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به کاهش

اعتماد عمومی به سیستم‌های قضایی و اقتصادی نیز منجر شود. (انصاری، ۱۴۰۳: ۵۱).

به منظور حفظ اصل عدالت، لابد است که مکانیسم‌های بازبینی و تعیین ضمانت‌نامه‌های داخلی در طراحی الگوریتم‌های هوش مصنوعی وجود داشته باشد. اعضای جامعه و فقهاء باید در این روند مشارکت کنند تا اطمینان حاصل شود که اصول فقهی اسلامی در طراحی و پیاده‌سازی این سیستم‌ها مدنظر قرار گرفته است.

این رویکرد نه تنها به مشروعیت الگوریتم‌ها کمک خواهد کرد بلکه اعتماد عمومی را نیز افزایش خواهد داد. بنابراین، در توسعه هوش مصنوعی باید عدالت و انصاف در هر مرحله‌ای گنجانده شود.

۵- حریم خصوصی و امنیت اطلاعات

در عصر دیجیتال، حریم خصوصی و امنیت اطلاعات موضوعاتی کلیدی به شمار می‌روند، به ویژه در زمان‌هایی که اطلاعات شخصی در اختیار سیستم‌های هوش مصنوعی قرار می‌گیرند. در قراردادهای و معاملات، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به منظور بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی امری طبیعی است. اما این امر موجب نگرانی‌های جدی در خصوص حریم خصوصی افراد و همچنین امنیت اطلاعات می‌شود.

شناسایی و جمع‌آوری داده‌های کاربران ممکن است به روش‌های غیرقانونی یا غیر اخلاقی منجر شود، خصوصاً اگر افراد به‌طور کامل از طبیعت و مقصود جمع‌آوری اطلاعات آگاه نباشند. در فقه اسلامی، حفظ حریم خصوصی افراد از اهمیت بالایی برخوردار است و هر گونه نقض این حریم به‌طور واضح بر اعتبار معاملات تأثیر می‌گذارد. در این وضعیت، سوالاتی درباره مشروعیت جمع‌آوری و استفاده داده‌ها به‌وجود می‌آید.

علاوه بر این، اطلاعات جمع‌آوری شده می‌تواند به حملات سایبری منجر شود، که در آن می‌تواند امنیت کاربران به خطر بیفتد. بنابراین، در توسعه الگوریتم‌ها و سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، باید به بررسی دقیق روش‌های امنیتی و حریم خصوصی توجه کافی صورت گیرد. طراحی اصول و قوانین مشخص که بر اساس آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری و پردازش می‌شود، ضروری است.

مشارکت فعال متخصصان فقهی اورام جمع‌آوری داده‌ها و مشاوره در مراحل توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند به ایجاد فضایی امن و قابل اعتماد کمک کنند. باید تمهیداتی اتخاذ شود که افراد در فرآیند تصمیم‌گیری احساس امنیت کنند و از حقوق خود پاسداری شود (مرادی، ۱۳۹۵، ۱۰۰).

۶- تضاد منافع

تضاد منافع به معنای وضعیتی است که در آن فرد یا نهادی به دنبال منافع شخصی خود است که ممکن است در تضاد با منافع دیگران قرار گیرد. در حوزه هوش مصنوعی و معاملات، این موضوع می‌تواند به چالش‌های جدی منجر شود. استفاده از داده‌های حساس اقتصادی، به ویژه در حوزه‌های مالی، می‌تواند به ایجاد تضاد منافع منجر شود.

برای نمونه، یک شرکت که به فناوری هوش مصنوعی دسترسی دارد، ممکن است با استفاده از این داده‌ها اقدام به پیش‌بینی حرکات بازار و به دست آوردن مزیت‌های ناعادلانه کند. این مسئله می‌تواند به عدم شفافیت و بی‌اعتمادی در میان مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران منجر شود.

همچنین، استفاده نادرست از داده‌ها در تصمیم‌گیری‌های اجرایی می‌تواند به سوءاستفاده از اطلاعات شخصیت‌های حقیقی منجر شود. برای مثال، یک مدیر می‌تواند از دیدگاه‌های منفی در الگوریتم برای تصمیم‌گیری در مورد کارکنان استفاده کند که به عدم انصاف در محیط کار منجر می‌شود.

تحلیل تضاد منافع مستلزم ساختارهای قوی در قوانین و مقررات ایمنی است که باید در این زمینه تدوین و پیاده‌سازی شود. یک رویکرد چندجانبه که در آن حقایق و شفافیت به عنوان اصول کلیدی در نظر گرفته شوند، می‌تواند به کم کردن فرصت‌های ظهور تضاد منافع کمک کند. برآیند این مسائل نه تنها به اعتبار معاملات بلکه به اعتبار خود سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی نیز خواهد افزود (مرتضوی، ۱۳۹۱، ۱۵۵).

۷- مشروعیت موضوع معامله

موضوع معامله در فقه اسلامی باید مشروع باشد، به این معنا که باید با اصول دینی و اخلاقی سازگار باشد. با توجه به پیچیدگی‌های هوش مصنوعی و فرآیندهای تصمیم‌گیری خودکار، ممکن است معاملات غیرمشروعی به وجود آید. برای مثال، یک الگوریتم می‌تواند به سمت ایجاد نتایج و پیش‌بینی‌هایی هدایت شود که به انحراف از اصول فقهی سازگار با موضوع معامله بینجامد.

به عنوان یک نمونه، اگر هوش مصنوعی به اطلاعات نادرستی درباره یک کالا یا خدمات در دسترس قرار گیرد، می‌تواند به عدم مشروعیت معاملات بینجامد. این مشکلات نیازمند بررسی عمیق‌تری هستند تا اطمینان حاصل شود که الگوریتم‌ها به طور متناسب و با توجه به قوانین فقه اسلامی عمل می‌کنند.

نیازمند ایجاد قوانین و دستورالعمل‌هایی جدید در این راستا هستیم تا اطمینان حاصل شود که تمامی معاملات و توافقات بر اساس اصول اسلامی

معتبر و مشروع هستند. این قوانین باید شفاف و قابل فهم بوده و بر درک صحیح از وضعیت‌های معاملات تأکید کنند.

یک توسعه‌دهنده فناوری هوش مصنوعی باید در نظر داشته باشد که اصول شرعی در طراحی و توسعه الگوریتم‌ها مدنظر قرار گرفته‌اند تا هرگونه بی‌عدالتی یا عدم مشروعیت ناشی از عدم توجه به ضوابط شرعی کاهش یابد. در نهایت، حفظ مشروعیت در معاملات هوش مصنوعی نیاز به آگاهی و همکاری فعال همه ذینفعان دارد (مرتضوی، ۱۳۹۱، ۱۵۶).

۸- پذیرش اجتماعی

استفاده از هوش مصنوعی در معاملات نیاز به پذیرش اجتماعی دارد. اولین گام در این راستا، آگاهی‌رسانی و آموزش به جامعه درباره مزایا و خطرات هوش مصنوعی است. اگر جامعه نسبت به این فناوری‌ها آگاهی کافی نداشته باشد، ممکن است نسبت به آن‌ها با بدبینی و ترس برخورد کند. جلب اعتماد عمومی به هوش مصنوعی در معاملات، ارتباط مستقیم با درک صحیح از اصول فقهی و معتبر بودن این سیستم‌ها دارد. برای این منظور، لازم است میان فقها، توسعه‌دهندگان و کارآفرینان به‌منظور ارزیابی و بررسی چالش‌های موجود در این فضا همکاری‌های بیشتری انجام گیرد.

همچنین، ایجاد بسترهای حقوقی مستند و تقویت حمایت‌های قانونی نسبت به حقوق مصرف‌کنندگان و ذینفعان، از دیگر عواملی است که می‌تواند به پذیرش اجتماعی هوش مصنوعی در معاملات کمک کند. در نهایت، در جوامع دینی، توجه به مبانی اخلاقی و دینی استفاده از این فناوری‌ها ضروری است تا اطمینان حاصل شود که این فناوری‌ها به‌طور مؤثری با اصول اجتماعی و فرهنگی متناسب هستند.

بنابراین، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر روی نوآوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی که مورد تأیید فقهی هستند، می‌تواند به تسهیل پذیرش اجتماعی و کارایی بیشتر در این زمینه کمک کند.

نتیجه گیری

انعقاد عقد یک عمل ارادی و آگاهانه است که انسان با داشتن قوایی مختص به خود توانایی انجام آن را دارد؛ اما هوش مصنوعی نیز علی‌رغم فقدان اراده، دارای قابلیت‌هایی هست که می‌تولند همان کارکردهای قوای انسانی در انعقاد عقد را داشته باشد. حال با وجود چنین قابلیت‌هایی، امکان خروج سامانه‌ها از حالت ابزاری صرف و انتساب انشای عقد به خود آنها وجود دارد.

فقه‌های امامیه عمدتاً هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزاری برای کمک به انسان در انجام معاملات می‌پذیرند، اما تأکید دارند که: ۱- نظارت انسانی: باید همواره نظارت انسانی بر فرآیندهای هوش مصنوعی وجود داشته باشد. ۲- مسئولیت انسانی: مسئولیت نهایی در قبال نتایج و عواقب معاملات بر عهده انسان است.

آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید دارند که هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین کامل انسان‌ها در معاملات باشد. به‌عنوان مثال، در قراردادهای هوشمند، حتی اگر هوش مصنوعی تصمیمات خودکار بگیرد، نظارت انسانی ضروری است تا از بروز مشکلاتی مانند غرر یا خطای محاسباتی جلوگیری شود. ایشان معتقدند که هوش مصنوعی باید ابزار دست انسان باقی بماند و مسئولیت در نهایت بر عهده انسان است. آیت‌الله سیستانی در فتاوی خود، به صراحت بیان کرده‌اند که استفاده از هوش مصنوعی در معاملات باید با رعایت اصول فقهی صورت گیرد. به‌ویژه در زمینه جلوگیری از غرر و حفظ شفافیت، باید از ابزارهای نظارتی برای اطمینان از صحت و دقت تصمیمات هوش مصنوعی استفاده شود.

آیت‌الله جوادی آملی نیز تأکید دارند که فناوری‌های نوین باید به‌گونه‌ای استفاده شوند که اصول فقهی مانند ضمان، قصد، و رضایت را نقض نکنند. در نظر ایشان، اگر هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار عمل کند و نظارت انسانی بر آن وجود داشته باشد، مشکلی از نظر فقهی وجود نخواهد داشت. فقها تأکید دارند که برای جلوگیری از غرر، باید شفافیت کامل در فرآیندها و نتایج هوش مصنوعی وجود داشته باشد و هرگونه ابهام باید رفع شود.

استفاده از هوش مصنوعی در معاملات از منظر فقه‌های امامیه به‌عنوان ابزاری مفید و کارآمد پذیرفته می‌شود، به شرطی که نظارت و مسئولیت انسانی به‌طور کامل حفظ شود و اصول فقهی مانند قصد، رضایت، و عدم غرر رعایت گردد. برای تطبیق بهتر این فناوری با اصول فقهی، نیاز به تدوین

چارچوب‌های قانونی و فقهی جدید است که به‌طور خاص به چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوین بپردازد.

استفاده از هوش مصنوعی در معاملات، چالش‌های جدیدی را برای فقه امامیه به‌وجود آورده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

عدم قصد و نیت در هوش مصنوعی: از دید فقه امامیه، یکی از ارکان اساسی صحت معامله، قصد و رضایت طرفین است. از آنجا که هوش مصنوعی فاقد نیت و آگاهی است، آیا می‌توان آن را به‌عنوان طرف مستقل در یک قرارداد تلقی کرد؟ به عبارت دیگر، هوش مصنوعی نمی‌تواند درک و قصدی برای پذیرش یا انجام یک معامله داشته باشد، بلکه صرفاً ابزار و واسطه‌ای است که تحت نظارت انسان عمل می‌کند.

غرر و ابهام در تصمیمات خودکار: یکی از اصول مهم فقهی که در معاملات باید رعایت شود، جلوگیری از غرر (ابهام) است. هوش مصنوعی می‌تواند تصمیماتی بگیرد که به‌طور غیرمستقیم به نتایج غیرقابل پیش‌بینی منتهی شوند. به عنوان مثال، در صورت استفاده از هوش مصنوعی در معاملات مالی، ممکن است تصمیمات به‌طور خودکار بدون نظارت انسانی باعث زیان یا ضرر شوند. چنین ابهاماتی می‌تواند منجر به مشکلات فقهی و شرعی شود.

ضمان و مسئولیت: در صورتی که خطا یا خسارتی به‌دلیل عملکرد هوش مصنوعی ایجاد شود، مسئولیت آن بر عهده چه کسی خواهد بود؟ در فقه امامیه، مسئولیت هرگونه خسارت در معاملات به شخصی که باعث آن شده است، تعلق می‌گیرد. اما در مورد هوش مصنوعی که فاقد شخصیتی مستقل است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مسئولیت به کاربر سیستم، طراح الگوریتم‌ها، یا شرکت توسعه‌دهنده تعلق خواهد گرفت؟

با توجه به تحولات سریع فناوری، همکاری میان فقها، توسعه‌دهندگان فناوری و نهادهای قانونی برای ایجاد چارچوب‌های اصولی و تأثیرگذار در عقود هوش مصنوعی الزامی است. توسعه خط‌مشی‌ها و قواعد واضح می‌تواند فرایندها را شفاف‌تر و اعتبار آن‌ها را افزایش دهد.

با این حال، احتمالاً چالش‌های جدیدی نیز در آینده به‌وجود خواهند آمد که نیازمند تجزیه و تحلیل، دقت و ابتکار عمل در مواجهه با آن‌ها خواهد بود. به‌طور خلاصه، هوش مصنوعی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای بهبود فرآیند معاملات باشد، به شرطی که به‌طور همزمان با اصول فقهی نظر گرفته شود و بر مبنای عدالت و انصاف تنظیم گردد.

منابع

- حلی، علامه، ۱۴۲۰ق، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱، ج ۲.
- خامنه ای، سید علی، ۱۴۲۴ق، رساله اجوبه الاستفتائات، قم، انتشارات دفتر معظم له، ج ۱.
- خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۴ق، توضیح المسائل، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ج ۸.
- صفار، محمد جواد، ۱۳۷۳ش، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات دانا، ج ۱.
- فاضل، حسن ابن ابیطالب، ۱۴۱۷ق، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ج ۲.
- عاملی کرکی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، انتشارات موسسه آل البيت علیه السلام، ج ۲، ج ۵.
- عاملی، سید جواد بن محمد، ۱۴۱۹ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ج ۲۲.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات معارف الاسلامیه، ج ۱، ج ۴.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، ۱۴۱۴ق، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، ج ۱، ج ۲.
- عطازاده، سعید، انصاری، جلال، ۱۳۹۸ش، «بازپژوهی مفهوم مسئولیت کیفری هوش مصنوعی (مطالعه موردی خودروهای خودران) در حقوق اسلام، ایران، آمریکا و آلمان»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۴.
- فخعلی، محمد تقی، ۱۳۹۲ش، «تحلیل فقهی شخصیت حقوقی»، آموزه های فقه مدنی، ش ۹.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ش، حقوق اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، ج ۱۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامی، ج ۴، ج ۴.
- مطهری، مرتضی، بیتا، مجموعه آثار، قم، ج ۱، ج ۲۰.
- محقق حلی، نجم الدین، ۱۴۰۷ق، المعتمد فی شرح المختصر، قم: انتشارات موسسه سید الشهداء علیه السلام، ج ۱، ج ۲.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۱ق، فقه الامام صادق علیه السلام، قم، انتشارات موسسه انصاریان، ج ۱، ج ۵.
- مرتضوی، سیدضیاء، ۱۳۹۱ش، «نظریه شخصیت حقوقی، نقطه عطفی در فقه آیت الله طباطبایی یزدی»، فقه و اصول، ش ۳.
- مرتضوی، سیدضیاء، ۱۳۹۳ش، «مبانی و ادله اعتبار شرعی شخصیت حقوقی»، فقه و اصول، ش ۲.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۹ق، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات مدرسه علی ابن ابیطالب علیه السلام، چ ۵۲.

مطلبی کربکندی، حسین، مینایی، بهروز، دیرباز، عسگر، ۱۳۹۳ش، «بررسی فلسفی امکان تحقق هوش مصنوعی قوی با توجه به دیدگاههای مختلف در مسئله ذهن و بدن»، فلسفه دین، ش ۱.

شیری، عبدالحسین، محمدی، مرتضی، ۱۳۸۸ش، «تشکیل قراردادها از طریق نمایندگی سامانه هوشمند»، نامه مفید ش ۷۱.

نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت- لبنان، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۶.

یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۴ق، تکملة العروة الوثقی، قم: انتشارات کتابفروشی داوری، چ ۱، ج ۱.

استناد:

چراغی پور، نعیم، شفیعی ناطق، هادی، سلیمی، مهناز. بررسی ظرفیت ها و موانع به کارگیری سیاست هوش مصنوعی در انجام معاملات از منظر فقهای امامیه. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران
<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.516469.1270>